



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری صاد
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی
دبیر تحریریه: امیر افشار فتوحی

www.rooznamehsaba.com
rooznamehsaba

تهران - خیابان آیت الله مدنی - کوچه خجسته منش - پلاک ۵
تلفن: ۶-۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز



گفت و گو با بهمن هاشمی گوینده و مجری:

نقشی که قبول نکردم را راضا رشیدپور بازی کرد

مدیران دوبلاژ به دلیل علاقه مندی و روابط و حس خوبی که به هم داشتیم، از من در بیان تیتراژ فیلم استفاده می کردند. مانند «هشدار برای کبری ۱۱» یا «کمیسر شهر». قبل ترها، دوبلاژ معمولاً از ۹ صبح تا ۷ شب باید یکسره انجام می شد و همه دوبلورها کنار هم کار می کردند. زمانی که کرونا همه گیر شد، در ایام کرونا دوبله به صورت آیتمی انجام می شد. یعنی در زمان مشخصی می آمدند رولشان را می گفتند و می رفتند. این روش زمان بندی شده باعث شد بتوانم برنامه ریزی بهتری داشته باشم و به همه اموراتم برسیم. مثلاً الان هفته ای دو روز مدیر دوبلاژ هستم و در باقی روزها می آیم نقشم را ایفا می کنم و برمی گردم. کسی هم نیست که بگویم حتماً باید نقش اصلی را به من بدهند. اعتقاد دارم مسیرم با توکل به خدا هموار است. خداوند است که تعیین می کند در چه جایگاهی باشم. هاشمی درباره بازیگری هم گفت: از ابتدای جوانی ام تا به همین الان پیشنهادات بازیگری زیادی داشتم و دارم. اما من فقط می توانم نقش خودم را بازی کنم. من نمی توانم نقش فتح الله را بازی کنم. آقای نعمت الله می خواستند فیلمی به نام «بی پولی» بسازند به من گفتند بیا این نقش را بازی کن. گفتم نقشی که در نظر دارید چیست؟ گفتند کسی به نام فتح الله. گفتم من این اسم را نمی خواهم. پرسیدند چرا؟ گفتم از فردا با این نام صدا می خواهند کرد. من اسمم بهمن هاشمی است. اسم خودم را روی شخصیت بگذارم بازی می کنم. گفتند سکانس های مربوط به این اسم را گرفته اند. گفتم نمی توانم بازی کنم. آقای رشیدپور رفتند در «بی پولی» و این نقش را بازی کردند. این صدا پیشه و مجری تلویزیون یاد آور می شود: در کل سه فیلم بازی کردم. آن هم نمی شود گفت بازی کردم. در واقع نقش خودم را بازی کردم. یکی در پروژه «قلقلک» که آقای امکانیان کارگردانش بود. آنجا گزارا شگر فوتبال هستم. جایی در «پایتخت» هم نقش خودم را ایفا کردم. آنجا یک مسابقه تلفنی اجرا می کردم. یک نقش خیلی کوتاه هم حدود سال ۷۳ یا ۷۴ جناب فتحی به من دادند که آنجا سبیل گذاشته ام و یک سکانس بازی کرده ام. از آنجا که در بازی نقش خودم را بازی کرده ام، بازی جلوی دوربین سینما برایم تفاوتی با دوربین اجرا نداشته. همه اش برایم یکی بوده.

جدیدی وارد کارشان شده چون فکر می کنند ممکن است از میزان حضور خودشان جلوی دوربین کم شود. این استرس در خیلی افراد وجود دارد. خلاف این شرایط هم هست. من دوست دارم در بازی کنم تا همه امکان بروز استعدادشان را داشته باشند. به نظر من هر فردی در جای خود منحصر به فرد است و هیچ کس نمی تواند جای دیگری را بگیرد. هاشمی تاکید کرد: تنها مجری جهان هستم که نفتم بگویم می خواهم مجری شوم. می خواهم بگویم که هیچ کس جز خداوند در این کار به من کمک نکرده است. به یاد دارم در سال ۱۳۶۰ جایی کار می کردم که متنی داده بودند برای ایشان بخوانم و از قضا کسی که باید متن را برایش می خواندم آقای منصور متین، گوینده معروف به متین بر تون بودند که در دوبله به جای ریچارد بر تون صحبت می کردند. در حین خوانش متن ایشان با صدای بمی که داشتند به من گفتند «پسر، صدای خوبی داری». من از او تشکر کردم و مجدداً گفتند «می دانی من کی هستم؟» پاسخ دادم «نه» ادامه دادند «من متین دفتری هستم، معروف به متین بر تون. همان کسی که به جای ریچارد بر تون صحبت می کند.» این برای من بسیار جالب بود. لازم است بگویم، آن زمان، به خاطر انقلاب فرهنگی، دانشگاه ها تعطیل بودند و من بیکار بودم. در حین صحبت هایمان، ایشان به من گفتند «برو تلویزیون و گوینده شو.» من هم به دستورشان اقدام کردم و به تلویزیون رفتم. در سال ۶۰، وقتی به تلویزیون آمدم و تست دادم، رئیس وقت استخدام نوشتند «صدای خوبی داری، اما با لیسانس باید بیایی» من در دلم گفتم «مرد مومن من ۲۰ سال دارم. دانشگاه ها هم که تعطیل اند.» هنوز آن نامه را دارم. بعد از آن دیگر دنبال ماجرا را نگرفتم. یعنی نفتم درس بخوانم، دانشجو بشوم و بعد لیسانس بگیرم و بعد از آن هم گوینده شوم. همان دیپلم ماندم. هاشمی درباره دوبله، این گونه ادامه داد: صبر و شکیبایی از جمله ویژگی های لازم در دوبله است. با صبر می توان در دوبله به جایی رسید. برخی افراد به طور طبیعی به این کار وارد می شوند و به اصطلاح «استثنا» یا «تابغه» هستند. اما من اینگونه نبودم و مسیر خود را به تدریج طی کردم. ولی از آنجا که در عرصه اجرا بیشتر مورد استفاده قرار گرفتم کمتر زمان برای دوبله گذاشتم و چون برای دوبله کمتر زمان گذاشتم

بهمن هاشمی در خصوص شیوه اجرای برنامه هایش گفت: در اجراهای از شیوه خاصی استفاده نمی کنم. آنچه اجرا می کنم در واقع خود بهمن هاشمی است. وی درباره استعدادش در حوزه اجرا افزود: تمام اساتید من افرادی بودند که در زمینه اجرا شناخته شده بودند. البته از بدو ورود به عرصه اجرا جسارت داشتم. هر چند اضطراب در زمان اجرا یا صحبت جلوی دوربین را طبیعی می دانم. ولی من اضطرابی برای اجرا ندارم. چون از کودکی در کانون آموزش قرآن و تجوید شرکت می کردم. در آن کانون برای اعیاد اجرا داشتیم و با خواندن سرود و دکلمه، جایزه می گرفتیم. همین ها باعث کسب تجربه اجرا شد.

او اجراهای شاد تلویزیونی خود را مدیون کیومرث صالح نیا دانسته و اذعان داشت: در اجرا خودم را مدیون مرحوم کیومرث یا هادی صالح نیا، مدیر وقت گروه ورزش شبکه دو می دانم. آن زمان که به سازمان صداوسیما وارد شدم شبکه سه یا چهاری وجود نداشت. آقای صالح نیا برنامه «تهران ساعت ۲۰» را برای اولین بار به صورت زنده در شبکه دو مدیریت می کردند. ۵۴ شب این برنامه اجرا شد. اجرای من مابین اجرای آقایان منوچهر نوذری و هرمز شجاعی مهر انجام می شد. زمان اجرایم ۱۰ دقیقه بود. بودن در کنار دو استاد بزرگ مانند آقای نوذری و آقای شجاعی مهر برایم قوت قلب محسوب می شد. از خودم می پرسیدم «من کجا نشسته ام. سمت راستم استاد نوذری است و سمت چپم استاد شجاعی مهر...»

وی ادامه داد: در شروع اجرا هم دو استاد بزرگ در کنارم بودند. آقای شجاعی مهر یکی از حامیانم بود و البته در کنار ایشان، خدا رحمت کند استاد نوذری را، ایشان در جهت رشد معایبم را می گفتند. این دو بزرگ عرصه اجرا در کنارم بودند. یکی تایید می کرد و دیگری با چوب استادی معایبم را می گفت. هر دو استاد برایم انرژی بخش بودند. وقتی زنده یاد نوذری نکته ای را متذکر می شدند دقت داشتم که ایشان باتجربه هستند و باید بروم روی نکته تذکر داده شده کار کنم. البته در مسیر اجرا چالش هایی هم داشتم. زیرا برخی افراد بودند که پذیرش شان برای حضورم در عرصه اجرا خیلی کم بود. نمی گویم حسادت وجود داشت به زعم من این عدم پذیرش افراد است. نمی توانم بیند فرد

